سیدهاشم سدید ۲۰۱۸/۰۵/۱۹

چه کسی را باید محکوم کرد؟

یاداشت پورتال افغان جرمن آنلاین: این مقاله بتاریخ ۱۵ همین ماه رسیده بود، نسبت تراکم مقالات و کمبود پرسونل دیرتر آنلاین گردید. بدینوسیله از جناب محترم سدید صاحب و خوانندگان گرامی معذرت میخواهیم.

این مقاله، با اهمیتی که داشت و دارد، باید همان لحظه ای نوشته می شد که خبر حملات وحشیانه، مرگبار و غیرانسانی نیروهای امنیتی اسرائیلی بر فلسطینیانی بی دفاع و بی یار و یاور در رسانه ها نشر شد و به گوش ما رسید؛ یا به چشم ما خورد.
چه باید گرد؟ کدام طرف را باید گرفت؟ چه واقعه، حادثه، خبر یا مطلبی را باید اولتر نوشت؛ یک سر و یک هزار مشغله، آنهم در پس پیری!
شصت کشته و دو هزار و هفت صد زخمی ـ شاید بیشتر! امروز، پانزدهم ماه می سال دو هزار و هیجده، برای فلسطینیان و برای تمام انسان هائی که به انسان فکر می کنند و فقدان داد و عدالت درهر سطحی یگانه دغدغهٔ آن ها می باشد، برای تمام انسان هائی که به حق و حقوق انسان ها در این جهانی که همه از حق و حقیقت سخن می زنند، ولی کمتر کسی بدان پابندی نشان می دهد و در دفاع از آن درعمل قدمی بر می دارد، یکی از غم انگیزترین روز ها بود؛ هرچند این روز در تاریخ فلسطینی ها یگانه روزی نبود که چنان حادثهٔ مرگبار و دلخراش رخ داده است.
حوصله ای تورق تاریخ خونین فلسطینیان و ورق زدن تاریخ خشونت های اسرائیلی ها را ندارم. نه به این علت که نمی توانم، بلکه برای این که بارغم های طاقت فرسای فلسطینی ها را آنقدر سنگین می سازد، که تحمل آن را به کلی برایم شاق می سازد؛ غم هائی که چارهٔ آن شاید از توان خدای عالمیان نیز بیرون است. می نوشتم، با آن که هیچ حادثه ای در ارتباط به بیچارگی فلسطینیان و ددمنشی سیاستمداران و نظامیان اسرائیلی از نظر خوانندگان این نوشته و از نظر جهان پنهان نیست.
سؤال از محکومیت بود! راستی چه کسی را باید مسئول این همه وحشت و بربریت دانست؟ و چه کسی را باید محکوم کرد؟ اسرائیل را؟ ایالات متحدهٔ امریکا را؟ عربستان سعودی را که خود را پیشوای جهان اسلام می داند، اروپا را که با همه تیزهوشی و همه عدالت خواهی هایش هنوز به درستی تشخیص نکرده است که کدام یک در این ماجرا و ماجرا های پیشین ـ و در کل در ارتباط با فلسطین و اسرائیل ـ مقصر است و هنوز در صدور یک فیصله عادلانه و فشار بر گناهکار و دفاع از بیگناه مردد است؛ یا جهانی را که در برابر این همه مظلومیت در یک طرف و جنایت و درنده خوئی و تکبر و زورگوئی در طرف دیگر سکوت اختیار نموده است؟
همه را باید محکوم کرد! امریکا را برای این که با آن که خود را پولیس جهان و حامی حقوق بشر می تراشد، به این مسأله تاریخی و ضروری، به این همه ستم و بیداد حق کشی اسرائیلی ها، که اساس بسیاری از ناآرامی ها در شرق میانه و در جهان است، و هر روز سبب ریختن خون ده ها و صد ها انسانی بی گناه، اعم از کودک و پیر و جوان می شود، نه تنها موضع انسان دوستانه و برحق و دادگرانه اتخاذ نمی کند، که با نفوذی که بر اسرائیل و بر جهان دارد این ها را وادار به پایان دادن به این گرفتاری و رنج بزرگ نمی کند؛ یک حرف در ارتباط این همه بیداد و جنایت اسرائیل بر زبان نمی اورند که نمی آورد، بلکه از هر کار غلطی این کشوری بی اعتنا به انسان و انسانیت و حقوق دیگران و خواسته های برحق و انسانی فلسطینیان پشتیبانی نیز می کند! امریکائی که چشمان تیز بینش محرومیت هائی بهائیان را می بیند، اما محرومیت های فلسطینان را با همه شدت و حدت و قوت و استمرار تاریخ طولانی آن نمی بیند!!
ملل متحد را که در قبال آن چه در سرزمین های فلسطینی ها اتفاق میفتد، یا سکوت می کند و یا برای فریب مردم به حرکت های فرمایش، مانند حرکت امروزی دست می زند. ملل متحدی را که آلهٔ دست امریکا و اسرائیل قرار گرفته است. ملل متحدی را که باید سمبول حق و عدالت و صلح و بی طرفی قرار می کرفت و اساساً به همین منظورهم به وجود آمده است؟

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

بالاترین کار به نظر ملل متحد در این خصوص، یک دقیقه سکوت فرمایشی بود، بدون این که به خود بگیرند که مردم از قبل می دانند که شما نه یک دقیقه، که تمام عمر تان را به هدایت امریکا و اسرائیل و سکوت کشورهای اروپائی در قبال مسألهٔ فلسطین سکوت نموده اید!
ازعربستان سعودی، که هیچ انتظاری نباید داشت! شرم به همه سیاست مداران این کشور که بر مسند پیامبر نشسته و خود را پیشوای جهان اسلام می دانند، ولی دست یک کشور ناتوان و محتاج همکیش خود را که از روز پیدایش تا حال شدیداً به کمک و حمایت احتیاج دارد، نمی گیرند؟
بیشتر ازهفتاد سال صورت حال فلسطینیان را، همینطور ماجراجوئی های اسرائیلیان را می بینند، اما هیچ کار که نمی کنند، نمی کنند، در قبال قضایای فلسطین ـ اسرائیل در کنار اسرائیل نیز می ایستند. چقدر شرم آور است؟!
یک، یک و نیم یا دو ماه قبل یک جوان خون گرم و نادان مسلمان فلسطینی با کمربند به یک جوان یهودی در شهر برلین آلمان حمله کرد و او را زیر ضربات کمربند گرفت؛ کاری که به هیچ وجه قابل تأئید نبود؛ حتی اگر این جوان را به دلیل همخونی یا همکیشی و یا هم میهنی و دردی که از این همه بیداد اسرائیلیان نسبت به همکیشان یا هم میهنان خویش می کشید. و به این دلیل حق به جانب بدانیم که شاید از خود بی خود شده باشد و دست به این کار زده باشد!
این واقعه در آن روز ها چنان خبر ساز شد، که گوئی حکومتی و یا نظامی سرنگون شده باشد، ملکهٔ انگستان فوت شده باشد یا موجودی از سیارات دیگر به زمین آمده باشد. روز بعد یا دو روز بعد از این حادثه صد ها انسان در چندین شهر و کشور اروپائی به جاده ها برآمدند و دست به تظاهرات زدند و این حادثه را محکوم کردند.
از یک نظر چون این حادثه در یک کشور آزاد، جائی که حق انتخاب دین و آئین و بیان و لباس و... محترم شمرده می شود رخ داده بود، این کار قابل تأئید است، ولی سؤال من به عنوان یک انسان، نه یک یهود، نه یک مسلمان، نه یک مسیحی، نه یک هندو و... این است که آیا این معترضان خشمگین تنها در برابر مردمانی که در کشور خود شان به سر می برند احساس مسئولیت می کنند، یا به نام انسان و پیروان حق و عدالت در برابر انسان های دیگر نیز باید احساس مسئولیت کنند؟
و بالاخره جهان را، مخصوصاً رسانه های گروهی را باید محکوم کرد، که در خصوص وقایعی که میان فلسطینی ها و اسرائیلی ها رخ می دهد، یا در ارتباط سائر وقایعی که در جهان صورت می گیرد و در نتیجهٔ آن حق و حقوق میلیون ها انسان پامال می گردد، چیزی بر زبان نمی آورند. یا کسانی که یک سنگ پراگنی یک فلسطینی را با تیتر درشت به عنوان سر مقاله در روزنامه ها و مجلات، یا یک خبر غم انگیز و جرم بزرگ در تلویزیون های خویش نشر و پخش می کنند، ولی زمانی که ده ها نفر فلسطینی کشته می شود یا یک دختر فلسطینی که برای یک سیلی بر روی یک عسکر اسرائیلی به هشت ماه زندان محکوم می شود، یک سخن نیز بر زبان نمی آورند.
همین لحظه دوستی تیلفون کرد و ضمن صحبت گفت که قرار یک خبر افریقای جنوبی به عنوان اعتراض به کشتار فلسطینی ها و گشایش سفارت امریکا در اورشلیم به یک اقدام دیپلوماتیک دست زده است. افریقای جنوبی کشوری است با هشتاد در صد جمعیت مسیحی وغالباً زیر تأثیر اندیشه های بزرگ مردی مانند نلسون مانديلا که مخالف خشونت، طرفدار صلح و دموکراسی و منقاد به حقیقت پذیری بود.
باید یاد بگیریم؛ و باید حکومت های مانند عربستان سعودی را با حکومت های مانند افریقای جنوبی از منظر حقیقت پذیری مقایسه بکنیم، نه بر پایهٔ دین و مذهب و این که عربستان سعودی زادگاه پیامبر اسلام و سرزمین مکه و مدینه است!
و این را نباید فراموش کرد که انسان اول انسان است، بعد یهود و مسیحی و مسلمان یا هندو و بودائی و بهائی و...!

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ